

## بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

كتاب الميراث/گرایش فقه و اصول/سطح ۳/ترم دوم ۹۳-۹۴

مرکز مدیریت حوزه علمیه خواران/مجازی

بختیاروند

### فهرست

جلسه اول:	۲
اسباب ارث	۳
موانع ارث	۳
جلسه دوم	۴
اولین مانع: کفر	۴
دومین مانع: قتل	۵
جلسه سوم	۷
سومین مانع: رقیق (برده بودن)	۷
چهارمین مانع: لعان	۸
پنجمین مانع: بودن بچه در شکم مادر	۹
جلسه چهارم	۱۰
ششمین مانع: غیبت منقطع	۱۰
حجب	۱۱
معنای حجب حرمانی:	۱۱

نکته: ..... ۱۲

نکته: ..... ۱۳

چند نکته در مورد حکم عمومی ابی و پسر عمومی ابوینی ..... ۱۳

جلسه پنجم ..... ۱۳

## جلسه اول:



نکته: رابطه میراث با فرائض

فرائض لفظی است که در دو معنا کاربرد دارد:

الف: سهامی از ارث که مشخص شده است را فرائض بگویند. (که ۶ تا هستند). در این صورت میراث

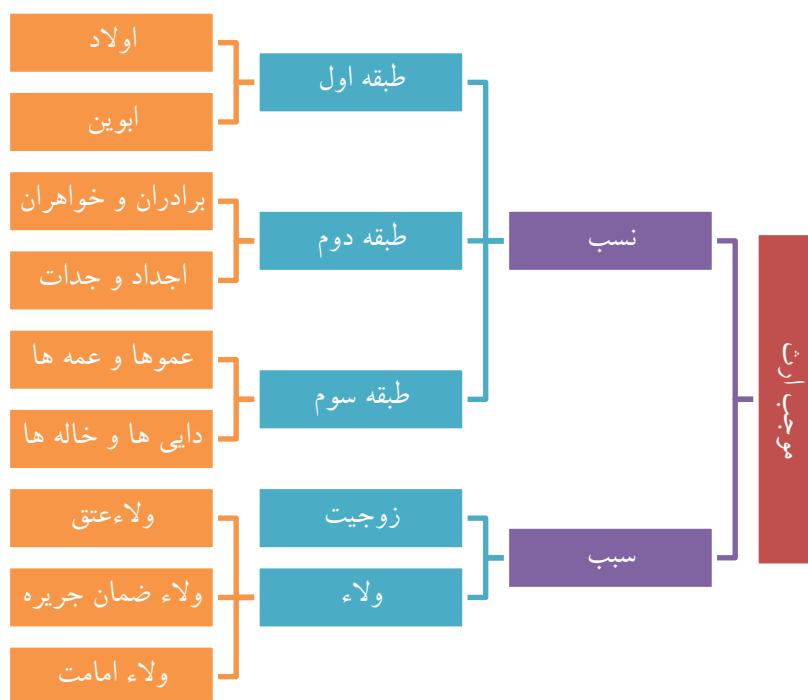
اعم از فرائض است.

ب: فرائض هم شامل ارث های تفصیل داده شده باشد، و هم ارث های مجملی که فرموده باشند (اولوا

الأرحام بعضهم اولی ببعض). در این صورت میراث مساوی با فرائض است.

بهرتر است لفظ میراث که دو کاربرد ندارد، استفاده شود تا فرائض که دو معنا را می شود از آن اراده کرد.

## اسباب ارث

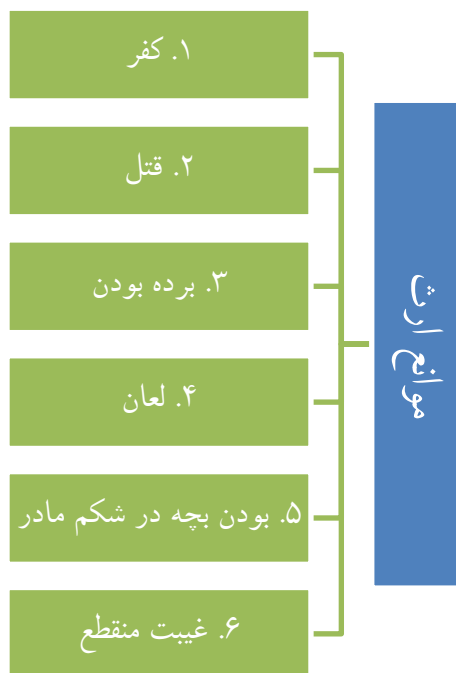


نکته: با وجود هر رتبه از مرتبه های ارث که مانعی از ارث بردن او نباشد، ارثی به مرتبه بعد نمی رسد.

نکته: زوج با هر رتبه ای ارث می برد. دائم بدون اختلاف و موقت در جائی که شرط ارث شده باشد که در مورد آن اختلاف است.

## موانع ارث

مصنف شش مورد را ذکر می کند:

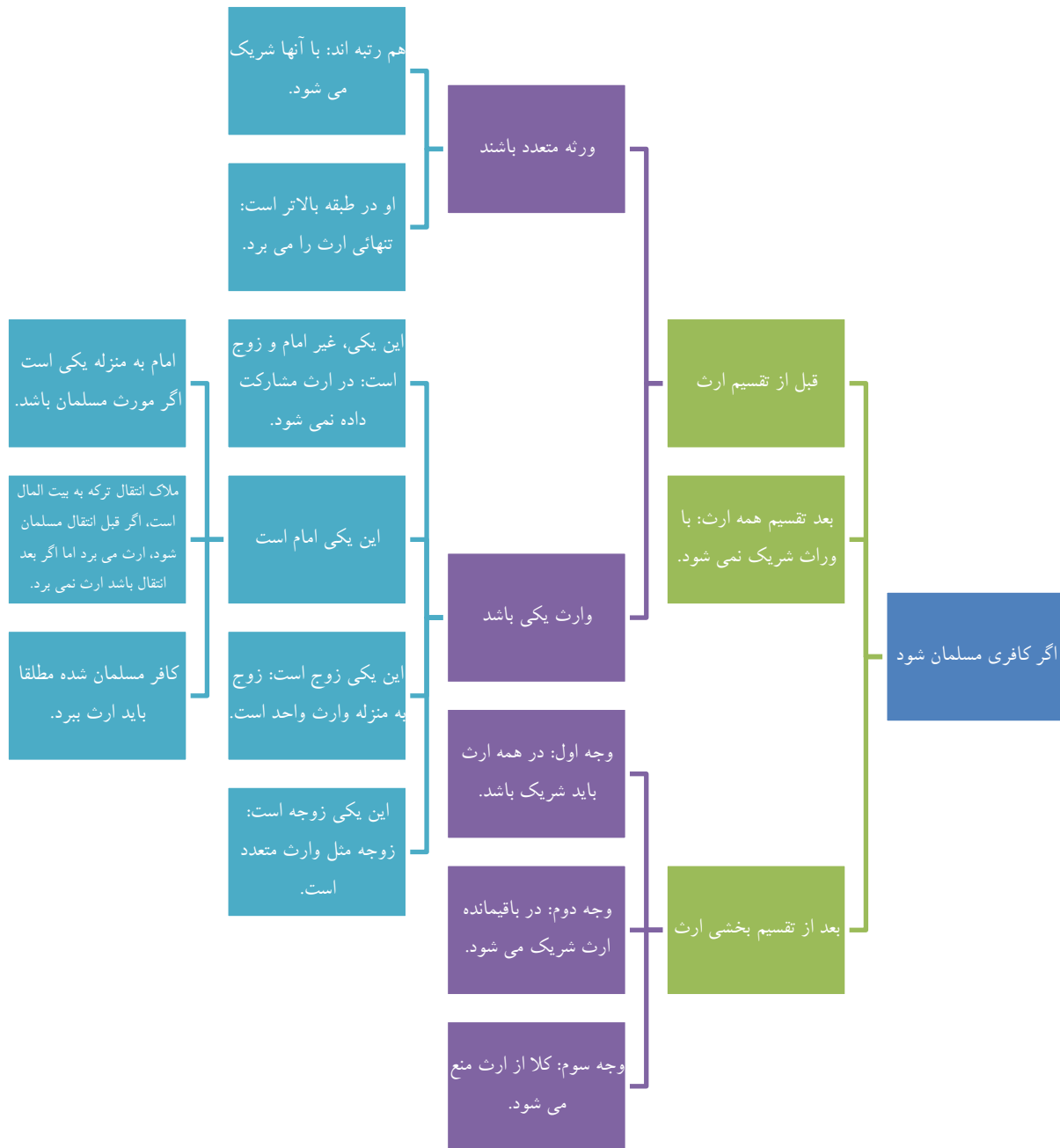


## جلسه دوم

### اولین مانع: کفر

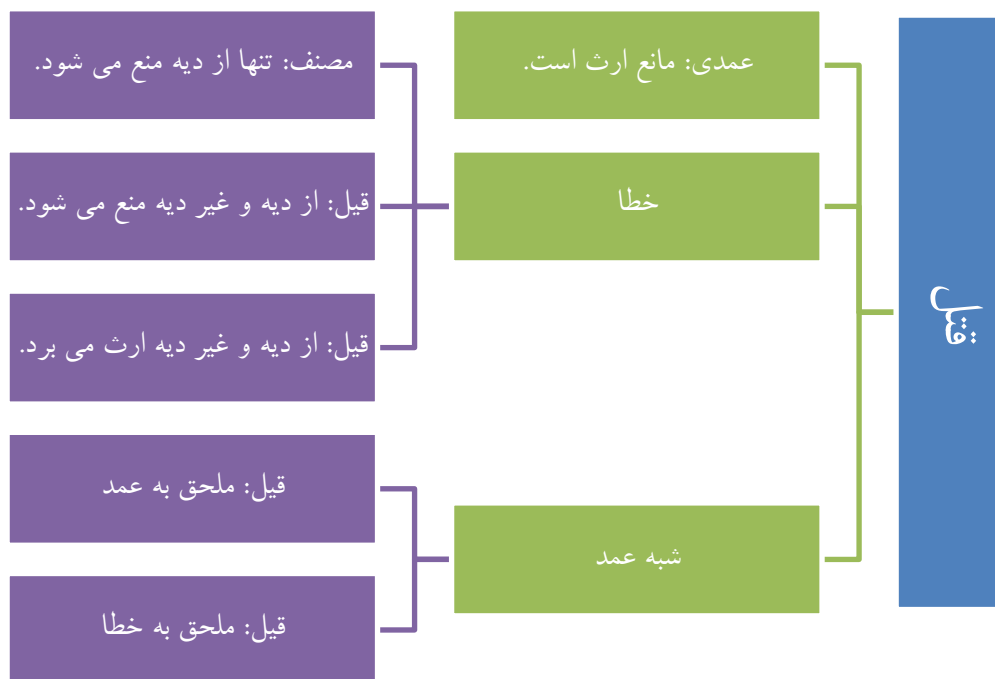
کفر با همه اقسامش مانع ارث می شود.

کافر از مسلمان (هر فرقه ای باشد حتی غیر مؤمن) ارث نمی برد، و مسلمان (از هر فرقه ای باشد) از کافر ارث برده و مانع بقیه وراثت کافر می شود، هر چند نزدیک تر یا دورتر از او به مورث باشند. مثلاً او مسلمان پسر است و برادر میت کافر. یا برادر میت مسلمان باشد و پسرش کافر. به هر حال باید به مسلمان برسد. اگر مسلمان در ورثه اش نبود، به ترتیب به معتق، ضامن جریره و بعد به امام می رسد.



### دومین مانع: قتل

اگر کسی، فردی را که با مردنش از او ارث می برد بکشد، این قتل مانع ارث بردن او می شود. البته به شرطی که این کشتن به ناحق باشد. نه اینکه مثلا مأمور قانون اجرای قصاص و یا به امر الهی مثل جهاد و دفاع و ... بوده باشد.



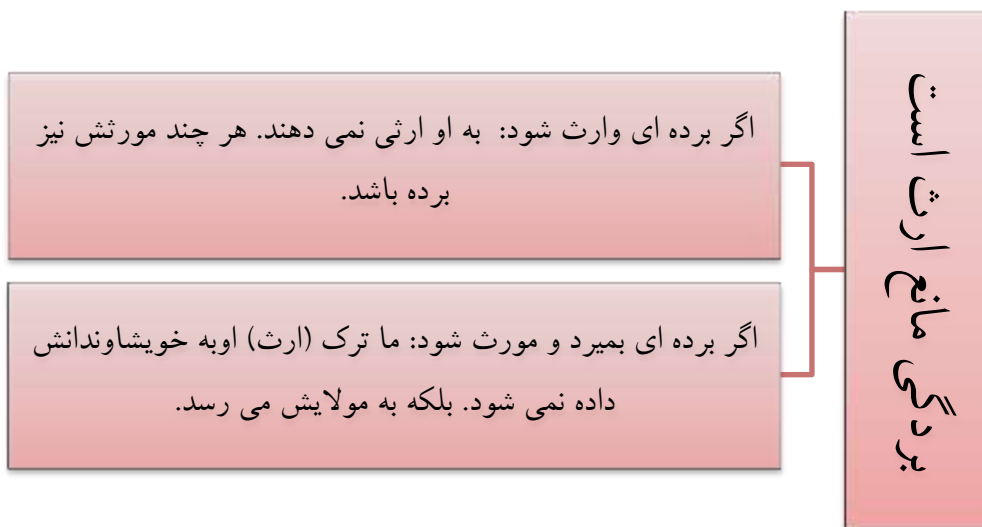
نکته: تفاوتی بین صغیر و مجنون و .... یا مباشر و مسبب نیست.

نکته: همه وارثان نسبی و سببی می توانند از دیه ارث ببرند و برای گروه خاصی منع نشده است، جز در نزدیکان مادری که اختلاف است.

نکته: زوج و زوجه از دیه ارث می برند، هر چند قصاص برای آنها به ارث نمی رسد. اما اگر اولیاء دم در جائی که قصاص باید باشد، بر دیه مصالحه کردند، در آن دیه وارث هستند.

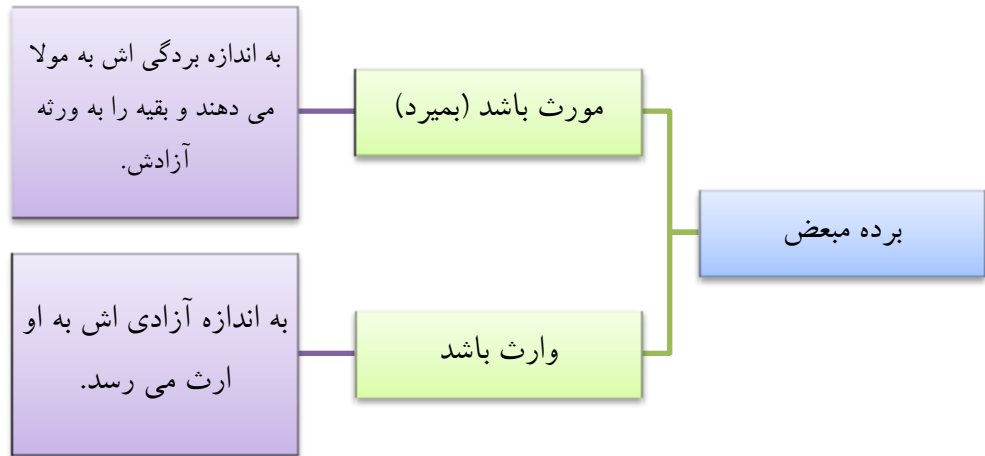
### جلسه سوم

#### سومین مانع: رقیبت (برده بودن)



نیتجه: پس وقتی کسی می میرد، اگر آزاد باشد ارثش تنها به خویشاوندان آزادش می رسد. اگر پدرش برده باشد، ارث را به او نمی دهند و به نوه آزادش می دهند.

برده مبعوض، به مقداری که آزاد شده ارث می برد و به مقداری که برده است از ارث محروم می ماند. پس اگر پدری بمیرد و فرزند برده مبعوض باشد، تنها به اندازه آزادی اش به او ارث می رسد و مابقی ارث به خویشان دیگر یا طبقات دیگر می رسد.



نکته: اگر برده ای قبل از تقسیم ارث آزاد شود، احکامش مانند کافری است که قبل از تقسیم ارث، مسلمان شود.

اگر میت، جز برده وارثی نداشته باشد، او را از ترکه میت می خردند و آزاد می کنند تا ارث ببرد. این مسأله در مورد پدر و مادری که برده هستند اتفاقی است، اما در مورد دیگران (فرزندان و سایر خویشاوندان) جای بحث دارد.

یا اینکه اموال به جا مانده وافی به آزاد کردن برده باشد یا نه؟ یا اینکه ورثه ای که برده اند متعدد باشند و مال برای آزاد کردن همه وافی نباشد، چه کنیم؟  
متولی این کار، اولاً حاکم شرع و سپس مؤمنین هستند.

### چهارمین مانع: لعان

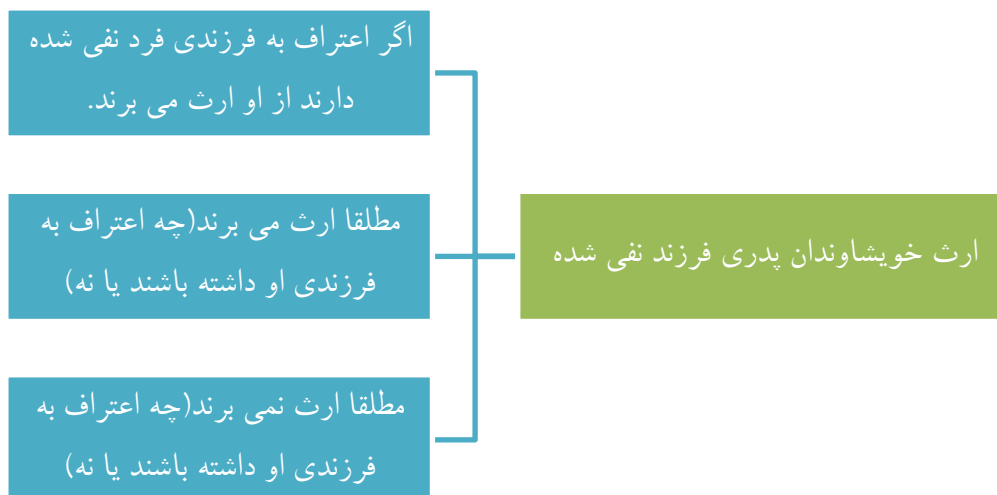
وقتی مردی به زنش نسبت زنا بدهد و شهادی اقامه نکند و به «لعان» کشیده شود، دو مانع برای ارث بوجود می آید:



A. این زن و شوهر از هم ارث نمی برند.

B. پدر و فرزندی که با لعان از هم نفی شده اند، از هم ارث نمی برند.

نکته: اگر پدر نفی خود را تکذیب کند، او دیگر از فرزندش ارث نمی برد اما فرزند از او ارث خواهد برد.



نکته: اگر فرزند نفی شده، خویشاوندانی از طرفین ابوی و نیز خویشاوندانی از طرف مادر داشته باشد، مثلا یک برادر ابوی و یک برادر امی، ترکه بین آنها به طور مساوی تقسیم می شود. زیرا نسب پدر قطع شده است و خویشاوندان ابوی در حکم خویشاوندان امی هستند.

### پنجمین مانع: بودن بچه در شکم مادر

اگر زنی باردار باشد، بچه ای که در شکم اوست مانع ارث است. یعنی با وجود چنین حملی، این حمل هم نسبت سهم خودش ممنوعیت دارد که به او ارث نمی رسد تا زنده به دنیا بیاید و هم ممکن است سهم ارث برخی از وارثان مبهم باشد تا اینکه سرنوشت این نوزاد مشخص شود که زنده به دنیا می آید یا مرده.

مثلا اگر این نوزاد تنها فرزند میت باشد و میت برادرانی داشته باشد، باید صبر کرد که اگر نوزاد زنده به دنیا آمد هیچ ارثی به آنها نمی رسد و اگر مرد، آنها ارث را می برند.

## خلاصه جلسات درس کتاب المیراث لمعه ..... ۱۰

البته سهم افرادی مثل پدر و مادر که یک ششم است به آنها داده می شود. چون وجود یا عدم فرزند، اثری در سهم آنها از ارث ندارد.

نکته: شرط لازم و کافی در ارث بردن نوزادی که در شکم مادرش است، این است که زنده به دنیا بیاید، هر چند در زمان مرگ خویشاوند (مورث) هیچ حیاتی نداشته و فقط نطفه باشد و یا هر چند زمان تولد صدائی نکند، بدنش را حرکت ندهد و ... و یا بعد تولد زود بمیرد.

نکته: راه پی بردن به اینکه جنین هنگام مرگ خویشاوند (مورث) وجود داشته است و نطفه اش منعقد بوده است، آن است که بچه پیش از گذشت شش ماه یا اگر مادرش بعد مرگ شوهر با کسی نزدیکی نداشته است، قبل از طولانی ترین مدت حمل متولد شود.

اما اگر این مادر بعد از مرگ شوهرش، هر چند به شبهه وطنی شده باشد، ارثی به فرزندى که بعد شش ماه متولد شود نمی رسد، چون احتمال دارد که نطفه بعد مرگ مورث منعقد شده باشد. (به ضمیمه اصالت عدم تقدم نطفه بر مرگ مورث).

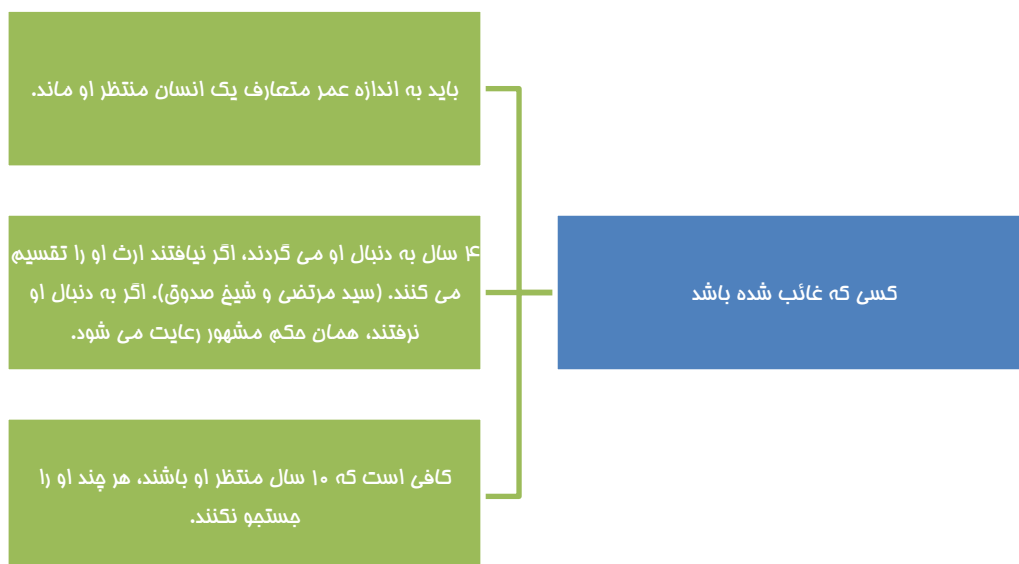
### جلسه چهارم

#### ششمین مانع: غیبت منقطع

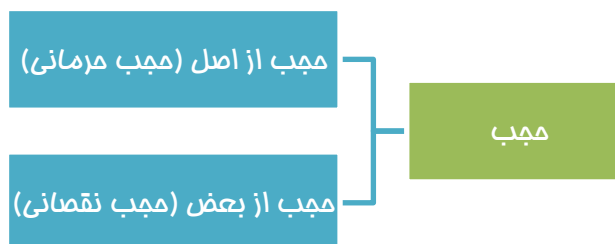
وقتی فردی مدتی غائب شود، این غیبت مانع از آن است که دیگران بتوانند اموال او را به عنوان ارث بردارند. بلکه مدتی بگذرد که بدانند به طور متعارف دیگر او از دنیا رفته است. (مثلا در بین افراد این شهر افراد پیش از صد سال عمر نمی کنند. پس وقتی صد سال گذشت و خبری از او نشد، حکم به مرگش شده و اموالش به ارث برده می شود).

نکته: فردی که غائب شده است، اگر در مدت غیبتش خویشاوندی که به ارث می دهد را از دست بدهد، باید سهم غائب را نیز کنار بگذارند که اگر حاضر شد، ارثش را به او بدهند. (این حکم مشهور بین اصحاب است و با اصل استصحاب نیز مناسب است).

جمع بندی بحث:



## حجب



**معنای حجب حرمانی:** در این قسم، فرد حاجب باعث می شود که دیگری کلاً از ارث بردن محروم شود. مانند اینکه خویشاوند نزدیک در هر طبقه مانع از ارث بردن خویشاوند دور است. (دور و نزدیک اینجا نسبی است؛ یعنی هر خویشاوند نسبه طبقه ای می تواند دورتر باشد، اما نسبت به طبقه دیگر نزدیک تر محسوب شود).

نکته: این نوع حجب، بین خویشاوندان طبقات و درجات مختلف و نیز بین خویشاوندان ابوینی و ابی در طبقه دوم و سوم محقق می شود.

پس خویشاوند طبقه مقدم، خویشاوند طبقه بعدی را محروم می کند، فرزند میت نمی گذارد برادر میت ارث ببرد.

و درجه مقدم در هر طبقه مانع درجه بعد می شود. تا وقتی فرزند بلاواسطه میت هست، نوه ارث نمی برد.

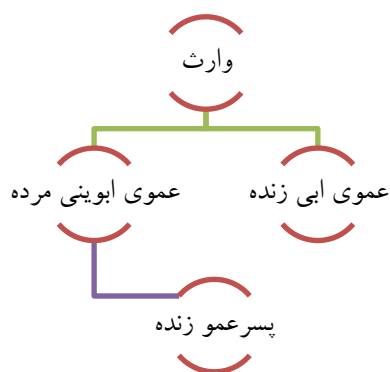
البته اینجا دو استثناء وجود دارد:

الف: وراثت به عنوان قائم مقامی (مربوط به طبقه اول و دوم):

استثنای مذکور در طبقه اول عبارت است از ارث بردن اولاد اولاد همراه پدر و مادر متوفی که در درجه مقدم هستند. (البته وقتی اولاد بی واسطه یا باواسطه مقدم تری در کار نباشند).

استثنای در طبقه دوم هم عبارت است از ارث بردن اولاد باواسطه اخوه در هر درجه، همراه با جد و جده که در درجه مقدم هستند (البته جائی که خود اخوه نباشند) و نیز ارث بردن اجداد پدر و مادر و بالاتر وقتی جده و جده نباشند، به همراه اخوه متوفی که در درجه مقدم تری هستند.

ب: محروم شدن عموی ابی که در درجه مقدم است با وجود پسر عموی ابوی که در درجه مؤخر است، در صورت انحصار وارث به ایشان. (این استثناء مربوط به طبقه سوم است).



**نکته:**

ضابطه کلی در حجب: هر گاه در یک مرتبه و طبقه، درجات مختلفی جمع شدند، آن کس که در آن طبقه به میت نزدیک تر است ارث می برد و آن گاه فرد بعدی که نزدیک تر باشد الاقرب فالأقرب.

**نکته:** کسی که ابوینی است بر کسی که کسی که فقط ابی است مقدم می شود. (البته در صورت اختلاف درجات، حاجب نخواهند شد: مثلاً یک برادر پدری باشد با برادرزاده ابوینی. این برادر مقدم است هر چند برادرزاده ابوینی است - جز در بحث عموی ابی و پسرعموی ابوینی که هر چند عمو نزدیک تر و مقدم تر، اما ارث به پسرعمو ابوینی می رسد).

### چند نکته در مورد حکم عموی ابی و پسر عموی ابوینی

الف: این حکم با متعددبودن یکی از آنها یا هر دوی آنها، یا به خاطر وجود زوج و زوجه همراه آنان تغییر نمی کند.

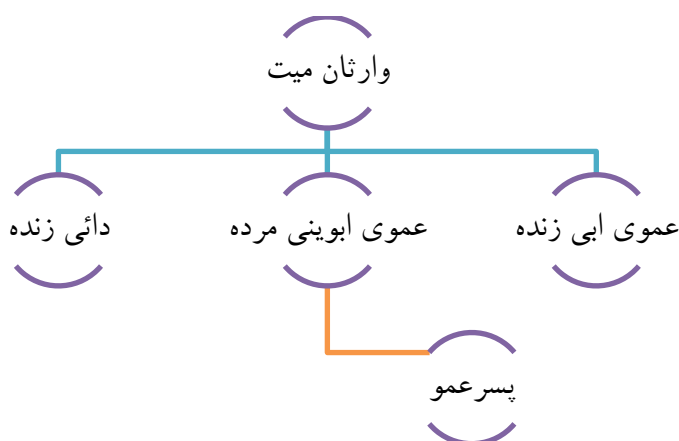
ب: در مورد تغییر این حکم به خاطر مذکر و مؤنث بودن (عموی ابی با دختر عموی ابوینی، یا عمه ابی با پسرعموی ابوینی جمع شود) دو نظر وجود دارد: **قول بهتر: حکم تغییر می کند.** چون مورد استثناء که مخالف عام است، تنها در مورد عموی ابی و پسر عموی ابوینی است.

ج: اگر در کنار عموی ابی، دائی نیز باشد، اختلاف نظر است:

A. حکم تغییر می کند و ارث به عمو و دائی می رسد. (نظر قویتر).

B. ترکه برای خالو و پسر عمو خواهد بود.

C. ترکه برای خالو به تنهایی خواهد بود. (عمو و پسرعمو هر دو مانع دارند).



### جلسه پنجم